



گفتگو



## شهید مزاری؛ مرد روزهای دشوار

گفتگو با قاضی سعادت غزنوی از همسنگران شهید مزاری



تاسیس ۱۳۹۴

دفتر تهران تشریف داشت، مکرر خدمت‌شان می‌رفتیم. بالاخره در سال ۱۳۶۸ که حزب وحدت تشکیل شد و قرار شد احزاب دیگر منحل گردد، من مسئول سازمان نصر در ولسوالی جاغوری بودم و در راستای تأسیس و تثبیت جایگاه حزب وحدت در کنار استاد مزاری فوق‌العاده تلاش کردم. بعدها متأسفانه اولین جبهه علیه تشکیل حزب وحدت بر خلاف توافق شخصیت‌های سیاسی مردم تشیع در بامیان از بین خودی‌ها تشکیل شد. دفتر شورای ولایتی حزب وحدت در جاغوری، اولین شورای ولایتی بود که توسط مرحوم استاد پروانی، استاد اکبری و استاد عرفانی تأسیس شد. مراحل انتقال و تغییر هویت از سازمان نصر به حزب وحدت با وجود مخالفت‌ها، اندکی دشوار بود؛ اما ما در

بنیاداندیشه: تشکر قاضی صاحب که این فرصت را در اختیار ما قرار دادید. بفرمایید که شما با استاد شهید مزاری کی و چگونه آشنا شدید؟ و چه ویژگی‌هایی را در ایشان دیدید که همچنان مجذوب اندیشه‌های شهید مزاری هستید؟

سعادت غزنوی: تشکر از شما که موضوع خوبی را مطرح کردید. من از جمله بنیان‌گذاران سازمان نصر هستم و از نخستین روزهای تأسیس سازمان نصر با استاد شهید بودم. البته از سال ۱۳۵۸ با استاد مزاری آشنایی داشتم ولی از سال ۱۳۶۲ به این طرف بیشتر و در سال ۱۳۶۸ که عضویت کمیته سیاسی و دفتر نمایندگی سازمان نصر در قم را گرفتم، ارتباطم بیشتر شد. هم‌چنان زمانی که استاد مزاری در

پوسته فرستاده‌اید؟ گفت: اول این که بابه تنها است، دوم این که مانان برای خوردن نداریم و پسران ما از همان مواد غذایی که برای پوسته‌ها توزیع می‌شود، تأمین معیشت می‌کند و برای ما هم می‌آورند. مردم غرب کابل در چنین شرایط سخت و شکننده، این گونه با استاد مزاری بود!

این داستان‌های تلخ و بازخوانی خاطره‌های مقاومت غرب کابل است که در آستانه سالگرد شهید مزاری عزادار می‌شویم. استاد مزاری در عین حال که در مقابل چندین جبهه نیرومند می‌جنگید، اما برای نجات مردم غرب کابل از قتل عام، سخت تلاش می‌کرد. طالبان تا دوغ‌آباد رسیده بود، کوه چهل دختران در اختیار نیروهای اتحاد اسلامی بود، فقط ساحات دارالامان تا سیلو و دهم‌زنگ تا پل خشک در اختیار حزب وحدت بود. استاد مزاری یا تسلیم می‌شد یا مقاومت می‌کرد، استاد مزاری تسلیم شدن را به زیان تاریخی تشبیه کرده و به معنای محو هویت مذهبی، سیاسی و قومی مردم می‌دانست؛ از این رو هیچ‌گاه حاضر نبود تسلیم دشمن شود؛ اما راه مذاکره را با حکومت و هم با طالبان باز گذاشت و مذاکره‌کننده با جناح حکومت، شهید ابوذر و شهید مقصودی و در جناح طالبان، شهید مقصودی و نستوه بود.

ابتکار مذاکره با طالبان و مشوره‌دهی گفتگو با طالبان را دفتر نمایندگی حزب وحدت در پیشاور داده بود. برخی از دوستان شهید مزاری به ایشان مشوره داده بودند که با طالبان مذاکره کنید و طالبان با شما خصومت و دشمنی ندارد و قضیه از طریق مذاکره قابل حل است.

در آن زمان ملار بانی معاون ملا عمر در چهار آسیاب مستقر بود و از طرف طالبان ملا بورجان و ملا عبدالواحد باقرانی هیئت مذاکره کننده بود، بالاخره هیئت‌های مذاکره کننده بعد از چند روز رفت و آمد به یک سلسله تفاهات اولیه رسیدند؛ اما در نهایت هیئت مذاکره کننده حزب وحدت متوجه شد که

کنار استاد مزاری که در آن زمان رئیس کمیته سیاسی حزب وحدت در بامیان بود، ایستادیم. استاد مزاری نیاز به بازخوانی و بازشناسی فوق‌العاده دارد، مخصوصاً برای نسل جدید؛ زیرا استاد مزاری ویژگی‌های شخصیتی‌اش برای نسل جدید خیلی آشنا نیست، چون در آن زمان نبودند.

**بنیاد اندیشه: شما در روزهای دشوار مقاومت غرب کابل در کنار شهید مزاری بودید، خاطره‌ای بگویید که شهید مزاری در چنین شرایط دشوار، چگونه تصمیم می‌گرفت؟**

**سعادت غزنوی:** از دید من، عرصه فعالیت‌های سیاسی- نظامی در افغانستان مشمول حکایت تلخ کامی‌هاست، اما فعالیت و مقاومت در غرب کابل در سایه محاصره، عدم حضور رسانه، جنگ و محرومیت، مخالفت‌های درون‌حزبی، فعالیت و رقابت‌های خصمانه جریان‌های سیاسی و از جانبی در کنار استاد مزاری بودن با این همه مشکلات دشوار بود؛ ولی حضور و مبارزه مزاری در غرب کابل و در کنار ملتش، برای تعیین سرنوشت مردمش به نظرم بی‌مثال است. در روزهایی که حلقه محاصره غرب کابل تنگ‌تر شده بود و طالبان در چهار آسیاب مستقر شده و قرارگاه‌های حزب اسلامی را اشغال کرده بودند، تلاش شهید مزاری نجات مردم غرب کابل بود، مردم در این روزهای دشوار نیز از استاد مزاری حمایت می‌کردند، حتی افراد کم‌سن و سال خانواده‌ها حاضر به رفتن در جنگ بود.

از آن روزها خاطرات تلخی دارم. روزی به خانه

یکی از ساکنان غرب کابل رفتم پرسیدم که چند پسر دارید؟ گفت چهار پسر. اسحاق نام پسر بزرگ خانواده بود. پرسیدم که اسحاق کجا است؟ گفت در پوسته. پرسیدم دومی کجا است؟ گفت در پوسته. حتی دو پسر ده و دوازده ساله این خانواده هم در پوسته بود. گفتم آن‌ها که طفل اند، چرا به

”

این داستان‌های تلخ و بازخوانی خاطره‌های مقاومت غرب کابل است که در آستانه سالگرد شهید مزاری عزادار می‌شویم. استاد مزاری در عین حال که در مقابل چندین جبهه نیرومند می‌جنگید، اما برای نجات مردم غرب کابل از قتل عام، سخت تلاش می‌کرد.

“

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴



طالبان هیچ عقیده به مذاکره ندارد و هدف طالبان از مذاکره ایجاد فرصت است. بنده در زمان مقاومت، سارنوال کل و معاون اول محکمه حزب وحدت در غرب کابل بودم. روزی در سرک شورا بودم که شهید اخلاصی آمد و گفت: شما را استاد مزاری خواسته، رفتم پیش استاد مزاری، ایشان گفت: شما می‌دانید که براساس نظر دوستان در حال مذاکره با طالبان هستیم و امروز برای ما مهم، سرنوشت مردم ما است که نجات یابد و قلع و قمع نشود و اگر راه‌های مذاکره بسته شود چه باید کرد؟ روی این جهت علمای غرب کابل را هماهنگ کن و بروید ملاربانی را ببینید و به طالبان بگویید ما علیه مزاری هستیم و مزاری را با تمام نیروهایش خلع سلاح می‌کنیم و در کنار شما ایستاد می‌شویم ولی جایگاه ما را مشخص کنید.

سی نفر از علمای اهل تشیع را هماهنگ کردیم و به طرف چهار آسیاب حرکت کردیم، در دهلیز دفتر ملاربانی، خبرنگاران خارجی را دیدیم که از اتاق ملاربانی بیرون شدند. ملاربانی به محض این که متوجه شد علمای اهل تشیع و هزاره است فوراً رویش را به طرف دیوار برگرداند، توسط ترجمانش پرسید چه کار آمده‌اید؟ من که به عنوان سخنگوی جمع انتخاب شده بودم، مسائل و خواسته‌های مردم را مطرح کردم و این که می‌خواهیم در کنارشان باشیم. گفت: هر زمان لازم شد شما را خبر می‌کنیم. ما گفتیم: انجام وظایف دینی که زمان نمی‌خواهد حالا وقتش است که ما مجموعه آقای مزاری را از غرب کابل بیرون کنیم. گفت: نفرهای آقای مزاری آمده بودند، شما هم از آن جمع هستید؟ گفتیم: نه، ما با آن جمع هیچ ارتباط نداریم. گفت: ما گپ خود را به نفرهای آقای مزاری گفتیم، شما هم اگر از آن جمع هستید گپ‌تان گفته شده است. گفتیم: ما مستقل و نماینده مردم هستیم. باز هم گفت: هر وقت لازم شد شما را خبر می‌کنیم. وقتی مجدد تأکید کردم گفت: تو چه وظیفه داری؟ گفتیم من در پل سوخته یک مدرسه دینی

”

این داستان‌های تلخ و بازخوانی خاطره‌های مقاومت غرب کابل است که در آستانه سالگرد شهید مزاری عزادار می‌شویم. استاد مزاری در عین حال که در مقابل چندین جبهه نیرومند می‌جنگید، اما برای نجات مردم غرب کابل از قتل عام، سخت تلاش می‌کرد.

“

دارم. گفت: تویی که گپ می‌زنی می‌توانی بیایی ولی بقیه آمده نمی‌تواند. در این دیدار، روی ملا ربانی را نادیده به غرب کابل برگشتیم و هر کس رفت به همان سمت و سوی خود. بعد از برگشت از چهار آسیاب، دوباره استاد مزاری مرا خواست و موضوع را پرسید، گفتم: جناب استاد! آن‌ها مخالفت مردم غرب کابل (از ملا تا مردم عام) را با شما قبول ندارد و برداشت ما این است که آن‌ها با مردم اهل تشیع و هزاره مذاکره و صادقانه گفت‌وگو نمی‌کنند و از جنسیت، ایدئولوژی و عقیده ما بدشان می‌آید و همچنان از نظر آن‌ها، ما یک موجودات زشت و مرتد هستیم که حتی ملاربانی رویش را از ما برگرداند در حالی که با خارجی‌ها قبل از ورود ما در چهار آسیاب مذاکره کردند، اما وقتی جواب ما را می‌داد، حاضر نشد صورتش طرف ما باشد. وقتی که این حرف‌ها را به استاد مزاری گفتم ایشان گفت: بلی، شما شما دقیق درک کرده‌اید که آن‌ها با ما سر سازش و گفت‌گو ندارند.

بنیاد اندیشه: تشکیل حزب وحدت اسلامی در شرایطی که جامعه شیعه و هزاره دچار نفاق اجتماعی و اختلافات داخلی بود، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی مردم ما محسوب می‌شود، نقش استاد شهید مزاری را در تشکیل حزب وحدت اسلامی بیان بفرمایید.

سعدت غزنوی: هر چند بزرگان همه در تشکیل حزب وحدت نقش داشتند؛ اما نقش استاد مزاری برجسته‌تر است. چرا برجسته‌تر؟ استاد شهید مزاری در نخستین روزهای تشکیل حزب وحدت به رفقای سابق خود در سازمان نصر پشت کرد و گفت: ما در سازمان نصر قسم نخورده بودیم؛ اما در حزب وحدت همه به قرآن سوگند خوردیم که اگر بنا است مردم ما از نظر تاریخی، سیاسی و حقوقی به جایگاهی برسند، باید از آدرس حزب وحدت باشد، نه



لباس جدید گرفتیم، ولی استاد مزاری لباس را نپوشید و گفت نماینده مردمی هستیم که لباس کهنه می‌پوشند، پس لباس من هم باید کهنه باشد و باید غذایی را بخورم که مردم ما می‌خورد. استاد، شخصیت‌های اهل قلم را دوست داشت، چنانچه تعدادی جوانان را در بورسیه کشورهای ترکیه و اندونیزیا معرفی کرد. ایشان معتقد بود که خلاء بخش‌های تخریکی و مسلکی با کدرهای مسلکی باید پر شود.

بنیاد اندیشه: جناب غزنوی! در شرایط کنونی، راه‌کارها و طرح‌های شهید مزاری برای عبور از بحران فعلی که کشور ما گرفتار است، چقدر می‌تواند کارساز باشد؟

سعدت غزنوی: شهید مزاری راه‌کارهایی را جهت عبور از بحران و کشمکش‌های داخلی مطرح کرد، در آن زمان برای خیلی‌ها هم به‌لحاظ سیاسی و هم به‌لحاظ علمی قابل هضم و قابل قبول نبود، لذا مخالفت‌ها و لجاجت‌ها در مقابل پیشنهادهای شهید مزاری شد؛ اما بعد از شهادت استاد مزاری، تمام رهبران سیاسی حتی مخالفان شهید مزاری اعتراف کردند که استاد مزاری طرح و پلان راهگشا جهت عبور از بحران برای کشور داشت. شهید مزاری همیشه از عدالت اجتماعی، همدیگرپذیری، برابری همه اقوام ساکن در کشور سخن می‌گفت و معتقد بود هرگاه این قواعد شکسته شود، مردم دچار بحران می‌شود که امروز چنین شده است. به راستی امروز نسبت به هر زمان دیگر به راه‌کارها و اندیشه‌های شهید مزاری احساس نیاز می‌کنیم.

جریان‌های سیاسی کهنه و پراکنده. به خاطر موضع قاطع و حمایت جدی استاد شهید مزاری از حزب وحدت اسلامی، تعدادی از اعضای سازمان نصر از ایشان آزاده شدند؛ اما ایشان برای تقویت و تثبیت جایگاه حزب وحدت در مقابل همه مخالفین مقاومت کرد و کوتاه نیامد. با تشکیل حزب وحدت، استاد شهید مزاری با دو مشکل اساسی مواجه شدند: اول: انتقال مرکزیت حزب وحدت از خارج به داخل. دوم: پذیرفتن جایگاه ولایت فقیه در ساختار تشکیلاتی حزب وحدت. تعدادی از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت به شدت طرفدار قائل شدن نقش ولایت فقیه در حزب وحدت بودند و استاد مزاری به شدت مخالف بود. در نهایت سر تغییر در تشکیلات حزب وحدت توافق شد و تصویب شد که «شورای عالی نظارت» که اعضای آن متشکل از علما و فقها هستند در تشکیلات حزب وحدت اضافه شود.

بنیاد اندیشه: از ویژگی‌های استاد شهید مزاری برای ما بگویید که کمتر نسل جدید و علاقه‌مندان به اندیشه‌های شهید مزاری شنیده است.

سعدت غزنوی: به دور از توصیف‌های غیر واقعی، آن‌چه که از ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان بود، صداقت، ساده زیستی و رو راست بودن با مردمش و حمایت قاطع و غیر قابل عبور بودن از منافع مردم بود. استاد مزاری از برجسته شدن و رشد مردم محروم خوشحال می‌شد و این خصلت مزاری را سخت دوست داشتم. استاد مزاری ارزشی فکر می‌کرد و ساده می‌زیست و از تجملات مبرا بود. شهید اخلاصی می‌گفت: روزی برای استاد مزاری یک جوهره